

خواستگاری

شب بود. دلشوره عجیبی تمام بدنم را فرا گرفته بود. بعد از اینکه راه افتادم به اصرار مادر یک سبد گل خریدم. خدا خیر لسانی را برده که باعث و بانی این رسم و رسومهای آیینی شدن آن زمانها صهرای خدا بود و تا دلالت هم نبواهد گل چند شافه گل می‌گندن و کارشان را می‌افتاد. ولی توی این دوره و زمانه حتی گل خریدن هم برای خودش مکافاتنی داره که نگو و نپرس!!!!

قبل از اینکه وارد گلروشی بشوی مثل «گل سرخ» و سرحال و شادابی ولی وقتیکه قیمتتو را می‌بینی قیافه انت عین «گل میمون» می‌شود. بعدش هم که از فروشنده گل ایزان تر فروختاست می‌گنی و چوایب سر بالای جناب گلروش را می‌شوی، شکل و شمایلت

برمانه که بنده حقیر سرا بابی تقصیر هنوز در اوان نمانه «گل یخ» را هم سفیر می‌کنند!!!! البته تا گفته باشی که بنده حقیر سرا بابی تقصیر هنوز در اوان برده و اصلاً و ابداً تا اطلاع ثانوی نیز نیازی به تن دارن به سنت خانمانسوز ازدواج در خود احساس نمی‌نمودم منتوی به علت اینکه بعضی از فوایل محترمه نظر تشریف افشاکری، پوسیدگی روحی و رنگ زدگی عاطفی اینچنانک را به «گوش» یعنی وزیر «اکتشافات، استنتاجات و اتهامات» رسانده بودن فلزا برای چایگیری از خطرات احتمالی عاق شکرگی زودرس و پالایع مفروم مادران از اثرات و میراث نترشفه و یا طبع شون شیر ترش مزه نطوره سی و هشت سال پیش و متعاقب آن سینه گویدن ها و لعن و نفرین های چکر سوز نمودن و آرزوی اشدر میازات در صهرای محشر و از همه بدتر

سرگرفت فتوحات یچه های فامیل و همسایه مبتنی بر قبول شون در رشته های دانشگاهی؛ تانویی سنگلی، اطاق عمل، تایتیک پزشکی، موندسی فو تلو سوس و متنگ شنای دست هنرهای تخصصی، صلاح را بر آن دیدم که عب سکووت و اطاعت خورده و به خاطر پیگیری از بمباران شون توسط هواپیماهای نیز پرواز «دلگه کوشهای» ۴۱۳ و موشکهای بالستیک «نیشگون ها و سقله های» ۴۱۱ و شش و ضعف های گاه و بیگاه «مادر سالار» به همراه از خانه بیرون کردن های «پدر سالار» و تهریرات چایی و مالی فوق العاده و هشتتاک هم شیریه های مکرمه با مراسم خواستگاری امشب موافقت به عمل آورده و خود را به خراوتن منان بسیارم. خلاصه کلام به هر چان کنندی که پور به مقصد رسیدیم.

بعد از مدتی در باز شد و قیافه پدر و مادر عروس خانم از دور نمایان شد. چشمانم روز بر تینندار پیر عروس که گلر می نمودن من بوده ام

که ارث بابای خدا بیا همزمان را ابلا کشیده ام. چنان جوانب سلامم راداد که دیگر یادم رخت به او بگویم مرا به غلامی بپذیرد.

از همین حالا معلوم بود که بیشتر از غلامی و نوگروی خانواره شان چیزی به من نمی‌ماسد!! مادر عروس خانم نیز چنان بر و بر به چشمانم شیره شده و مرا ورنه از می نمود که اولش فکر کردم قرار است خدای نگردد با ایشان ازدواج

کنم، حفظ مانده بود بگویم که جورابهایت را هم برادری بیستم باحیثیت را سنگ با زره ای یا نه!!! بعدش هم نوبتت خواهر ها و برادرهای عروس رسید. معلوم بود که از حالا باید خودم را روزی هر اقل یک فصل کنگ خوردم از دست برادریهای عروس آماده می نمودم.

به خاطر همین هم با خودم تصمیم گرفتم که اگر بزبان لال یا عروسی ما موافقت شر سوری به اداره بیمه «فراخوان کرده و ازدواج» زره و خودم را بیمه «شکنجه زناشویی» و بیمه «برنه شغف ثالث» کنم! علی ایحال، بعد از مدتی انتظار و لیفتنر ها و سرفه ها و تعارف های مکش مرگما تحویل هم دارن، عروس خانم هم با سینی چای قدم رنجه فرمودنر. عروس که چه عرض کنم، دست هر چی مامان گوزر زلا را از پشت بسته بودا

بعد از اینکه چای جو شیریه دست خانوما را میل کردیم، پدر عروس خانم شروع به صحبت نمود. ایشان آنقدر از فوایل ازدواج و اینکه نصف دین در همین عمل خیر گنجانه شده است و بعدش هم بایستی ازدواج را سازه بر گزار کرده و خرج بالای دست داماد نباید گزارشت، گفت و گفت که به خود امپوار شرم و کم کم آن رفتار خشن اولشان را به حساب قاهر بینی و قضاوت ناعارلانه خودم گزارشتم. پس از اینکه سفشان وزیر ارشار، پدر زن آینده به پایان رسید، وزیر جنگ، مادر زن عزیز شروع به طرح سوالات تستی به سبک گنگور سراسری را آغاز کرد.

ابتدا مادر عروس با یک لیفتنر ملیج و دلنشین، من هم با تمام صلابت، خودم را آگار منر معرفی کردم. کفر لیلیس عارشتان نگردد!! مادر عروس که انگار تیمور لنگ قرار است دوباره به ایران حمله کند چنان بیخی زره و به گونه ای مرا به زیر رگبار ناسزاهای امپیل پارسی رهنمون ساخت که از ترس نزدیک بود، دو پای داشته را با دو

بعد از تمام این صحنهها نوبت به سوالات عروس خانم رسید. اولین سوال ایشان در مورد موسیقی بود و اینکه بدم ارگ و گیتار و تنبک بزتم یا نه؟ واقعاً دیگر این جایش را نخوانده بودم. مثل اینکه برای داماد شدن شرط مطربی و رقص بابا کردم نیز جزء واجبات شده بود و ما خیر نداشتیم! دومین سوال ایشان هم در مورد تکنولوژی مخابرات خلاصه می‌شد. عروس خانم تلفن موبایل را جزء لاینفک و اصلی زندگی آینده شان می دانستند، من هم که تا حالا بهترین تلفنی که با آن صحبت کرده ام تلفن عمومی سر کوجه مان بوده توی دلم به هر کسی که این موبایل را اختراع کرده بودم و پیراه گفته و از عروس خانم به خاطر نداشتن موبایل عذر خواهی نمودم.

بعد از این که عروس خانم فهمید که از موبایل هم خبری نیست سرگرمه هایش را درهم کرده و مرا یک «پی پرستیژ آقای مک لوهان» توصیف نمود، البته داغ عروس خانوم هنگامی که متوجه شد بنده بی ششیمیت از کار با اینترنت و ماهواره هم سر در نیآورده و نمی توانم مدل لباس عروسی ایشان را از آخرین «پوردهای مر ۲۰۰۰ افغانستان» بیورم بیاورم. تازه تر شده و چنان برابرم خط و نشان کشید که انگار

مسبب قتل «راچیو گانری» در هندوستان عمومی بنده بوده است و لاغیر!! در امله سوالات فوق، علیا محقره از من توقع برگزاری مراسم عروسی در باشگاه یا هتل را داشتند، چون به قول خودشان مراسم عروسی که توی باشگاه برگزار نشود باعث سر شکستگی جلوی فامیل و همسایه ها می‌شود!!

والله، اینبایش که دیگر برایم خیلی جالب بود ما تا حالا دیره بودیم که باشگاه چای کشتی گرفتن و فوتبالی و والیبال بازی کردن است ولی مثل اینکه عروس خانم ها چدیدر، زمین چمن و تنگ و تاتامی را با محضر ازدواج اشتباه گرفته اند.

الله اعلم! سوال چهارم هم به تقصیر بنده در نگهداری اچاره نشینی را انتخاب نمایم نفرشان در مورد دامادهای گولگولی بگوشته و به من لقب «گرای کیف به دست» را هریه نمودند!!

از حقوق بقای وحش احساس می‌گردد تا برای سر انجام رسیدن این ازدواج میمون و خسته کمی فداکاری به شرح و راه و روشهای «معاشرت دیپلما تیک» با آن موجودات زبان بسته را نیز به داماد خدا شده در راه عشق «هاپوها و میو میوها» آموزش می‌دارند.

بعد از تمام این وقایع ناخوشایند نوبت به خواهر کوچکتر عروس به نیت صدو دوازده نفر از یاران «لین چان» در سریال «جنگجویان کوهستان» اصرار داشت که صدو دوازده هزار سکه طلا مهریه خواهر تحفه اش باشد و به نیت اینکه در سال هزار و سیصد و چهل نه به دنیا آمده، هزار و سیصد و چهل و نه سکه نقره هم به مهریه اش اضافه شود! باز جای شکرش باقی بود که سال تولد در ایران «شمسی» می‌باشد اگر «میلادی» بود چه فایده سرم می‌کردم!!

بعد از قضیه مهریه نوبت شیربها شد. مادر عروس به ازای هر سانتیمتر مکعب از آن شیر خشکی که به دفتر خودش داده بود برای ما دلار، یورو، سهه چک، عابر چک و سهام کارخانجات پتروشیمی کرمانشاه و تراکتورسازی تبریز را حساب کرده به طوریکه احساس نمودم که اگر یک ربع دیگر توی این خانه بنشینم خواهند گفت که لطف پول آن بیمارستانی را که عروس خانم در آنجا بر دنیا آمده و پول قند و چای مهمانهایشان را هم ما حساب کنیم! بعد از تمام این حرفها مادر بغفت برگشته ما یک اشتباهی کرده و از چهیزیه ننه فولاد زره، عروس ترگل ورلکشان سوال نمود. کوششان خیر بد نشود!!

آن چنان خانواره عروس، مادرم را پول دست، طعاع، گرای هفت خط، تاجر هفت، درلال، قیشنگار جنگ و چناننگار سگی معرفی کردند که انگار مسبب اصلی شروع جنگ جهانی دوم مادر توتنازی بنده بوده است، نه جناب هیتلرا به هر تقدیر «ریایان مراسم بعد از کمی مشورت خانواده عروس جواب «نه» محکم و زدن آن شکنی را تحویلمان دادند و ما هم مثل لشکر شکست خورده یابوچ و ماچوچ به خانه رجعت نمودیم. پس از آن «دفتر معاملات ازدواج» با خودم عهد بستم که تا آخر عمر همچون ابوعلی سینا مجرد مانده و عناصر نامطلوبی به مانند خواستگاری و ازدواج و تاهل را نیز تا ابد به فراموشی بسپارم.

بیشود نیست که از قریب هم گفته اند؛ آنچه شیرین را کند روبه مزاج، ازدواج است، ازدواج!!!!!!

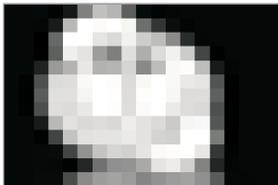
هوشمند ورعی

آگهی تبلیغاتی

اگر از لوازم برقی منزل خود زده شده اید ما به شما کمک می‌کنیم.

شرکت نوسانات فراگیر با انواع نوسانات یهویی، نوسانات مکرر در طول شبانه روز نوسانات ناشی از کندن کابلهای زیرزمینی توسط شرکت چاه گستر و ... لوازم برقی شما را در اسرع وقت منجر و بلا استفاده می‌نماید. با ما تماس بگیرید.

اگر نگران افزایش وزنتان هستید به ما رجوع کنید



آیا احساس چاقی و تپیلی می‌کنید و از گرفتگی ر شیم و رها کردن آن خسته شده اید؟

شرکت «پارسی سیر»

منوریل یک ریل دارد

شهردار قبلی تهران که سابقا اعلام کرده بود این پروژه توسط بخش خصوصی و در مدت دو سال به بهره برداری خواهد رسید. پس از آن که به رغم میلیاردها تومان هزینه شهرداری و کزشت چند سال، حاصل این پروژه تنها چند کردال در صفاقیه است. اعلام کرد: دولت ۱۵۰ میلیون دلار کمک برای پروژه منوریل تهران در نظر گرفته است. اما شهردار فعلی تهران، از دولت خواست این پول را برای توسعه مترو در اختیار شهرداری قرار دهد.

شهردار قبلی تهران هم که به تازگی رئیس جمهور شد، گفت: «قارو» و افزود:

دست از کمک ندارم تا ریل من برآید

خرم کنم حمایت تا جان ز تن برآید

گل باقالی این بار با گالینا بلانکا به بازار آمد

برای رفاه حال شهروندان عزیز، کارخانه گل باقالی موفق به تولید محصول جدیدی به نام گالینا بلا نکا شد. گل باقالی در گشتگو با خبرنگار ما هدف از تولید این محصول را نوریدن گوشت مرغ عنوان کرد و افزود: از آنجایی که قلب مهربان ما مرغان همیشه برای آدمها

بکشای تربتم را بعد از وفات و بنگر

کز شوق آن منوریل، دود از کفن برآید!!

پولی دهم فراوان، بیرون ز مهر معقول

تا بر فراز تهران، این راه آهن آید

با تشکر گل باقالی و مرغان

دلیل برتری کامپیوتر برتر

- تجربه بیش از ۱۵ سال خدمات و فروش در استان
- گارانتی مطمئن و بی نظیر
- شرایط فروش متنوع
- ارائه جدیدترین سری های کامپیوتر های همراه (Not book) بدون محدودیت مدل
- برتری های دیگر ما را با تشریف فرمایی خود مشخص فرمائید

منتظران هستیم خدمات کامپیوتری برتر

بندرعباس: کشور شمالی- خیابان انبار (انویورانی سابق) پاساژ شریفی
تلفن: ۶۶۶۸۹۹-۶۶۷۱۲۲۰
همراه: ۰۹۱۷۷۶۱۲۰۹۸

کلینیک درمان و باز توانی اعتیاد شفا

مسئول فنی: دکتر امید اسلامی
سم زدایی (متادون، کلونیدین و...) درمانه نگه دارنده (متادون، نالتروکسون)، مشاوره فردی و خانواده، روان درمانی، تنفر ازموادمخدر

آدرس: چهارراه مرادی- به سمت میدان قدس- طبقه دوم پاساژ اشکان- تلفن: ۲۲۲۶۶۱۱

دعوت به همکاری

شرکت سولار پلار با اعتبار و سابقه ای درخشان در تولید آبرگر مکن خورشیدی خانگی، نمایندگی فروش و خدمات پس از فروش خود را اعطا می نماید

تلفکس: ۰۳۱۲-۵۶۴۳۲۶۰ (خانم ملیبوس باف)

دعوت به همکاری

شرکت سولار پلار با اعتبار و سابقه ای درخشان در تولید آبرگر مکن خورشیدی خانگی، نمایندگی فروش و خدمات پس از فروش خود را اعطا می نماید

تلفکس: ۰۳۱۲-۵۶۴۳۲۶۰ (خانم ملیبوس باف)

سروش فیلم

تصویر برداری، عکسبرداری (مجالسی، تبلیغاتی، صنعتی) میکسی، مونتاز، تبدیل انواع سیستمهای تصویری

نشانی: مجتمع تجاری تفریحی ستاره جنوب - طبقه همکف - لاین شبنم پلاک ۲۵-۲

تلفن: ۸۵۵۸۸۱۰۳

(سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری بندرعباس)

مصلح ساختمانی هدایتی

- عامل توزیع سیمان هرمزگان
- ارائه انواع مصالح ساختمانی به صورت مستقیم از تمامی کارخانه جات
- تولید مصالح اعم از کج، پودر سنگ، آجر و غیره
- آدرس: سربالایی کمربندی - روبه روی مسجد امام علی (ع)
- تلفاکس: ۳۳۴۴۳۶۱
- همراه: ۰۹۱۷۳۶۱۳۳۲-۰۹۱۷۳۶۱۳۳۲

آموزشگاه طلسمی زبان انگلیسی

دلگشی و شوره

آموزشگاه زبان دانش پژوه با بیش از ۵ سال سابقه و بهره گیری از اساتید مجرب برگزار می نماید

آدرس: فلکه بقی - جنب استگاه هدایت جنب آرا استگاه دختر بختری - خیاطی نسترن دوخت بندر لنگن. ۲۲۱۳۳۶

آموزش زبان انگلیسی در تمام گر وهرهای سنی با استفاده از کتابهای دانشگاه کمبریج با برترین کیفیت آموزشی

- آموزش تخصصی خردسالان و نوجوانان
- کلاسهای تست زبان ویژه داوطلبان کنکور

شعبه ۱ امیرآباد - خیابان عمار ۱۰ تلفن ۵۵۵۱۲۹۳- همراه: ۰۹۱۷۳۶۸۶۹۰۹

شعبه ۲ بین چهارراه مرادی و میدان قدس: پاساژ اشکان طبقه ۳ تلفن: ۲۲۴۶۸۹۱- همراه: ۰۹۱۷۷۶۹۰۸۸۱

انواع دوختهای البسه محلی زنانه، مجلسی، بیزاهن مردانه، مانتو شلوار همراه با گلدوزی

آدرس: رو به روی بیمارستان امام رضا (ع)، جنب دفتر مخابراتی شماره ۲۲ همراه: ۰۹۱۷۷۱۱۳۱۶

دعوت به همکاری

شرکت سولار پلار با اعتبار و سابقه ای درخشان در تولید آبرگر مکن خورشیدی خانگی، نمایندگی فروش و خدمات پس از فروش خود را اعطا می نماید

تلفکس: ۰۳۱۲-۵۶۴۳۲۶۰ (خانم ملیبوس باف)